

خطامام در راه اجرای اصل مشارکت مردم در تعیین سرنوشت کشور

سرانجام طرح ۵۲ ماده‌ای مربوط به نوزدها تحت عنوان " طرح تشکیلات شوراهای اسلامی کشور " در تاریخ دهم شهریور از تصویب نهایی مجلس گذشت مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود یکی از اساسی‌ترین آماج‌های انقلاب است که در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است تصویب طرح تشکیلات شوراهای اسلامی کشور توسط اکثریت مجلس ، پیروزی بزرگی است که در اجرای این اصل ، پیروان و پشتیبانان خطامام بدان دست می‌یابند .
این طرح که طی مبارزه حادی میان پیروان خطامام با جریان مخالف راستگرا " به تصویب رسید ، شرایط ضروری بسیاری را که برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود ، لازم است ، مورد تأیید و تصویب قرار می‌دهد و به آن صورت قانونی می‌بخشد . در ماده اول طرح آمده است :

برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همگامی مردم و نظارت بر اداره امور هر روستا ، بخش ، محل ، شهر ، شهرستان و استان ، شورای اسلامی ده ، بخش محل (محله ، منطقه) ، شهر ، شهرستان ، استان و شورای عالی استانها بر اساس مقررات این قانون تشکیل می‌گردد .
انتخابات شوراهای زیر نظر وزارت کشور برگزار می‌شود (ماده ۲) و " انتخابات شوراهای روستایی توسط جهاد سازندگی زیر نظر وزارت کشور انجام خواهد شد " . مدت اعتبار شوراهای دو سالی می‌باشد (ماده ۳) .
" استانداران ، فرمانداران ، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌گردند ، بر اساس اصل یکصد و سوم قانون اساسی در حدود اختیارات شوراهای ملزم به رعایت تصمیمات آنها می‌باشند " (ماده ۱۴) .
" شوراهای دارای شخصیت حقوقی بوده ، حق اقامه دعوی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی و دفاع در مقابل دعاوی آنان علیه شورا را دارند " (ماده ۱۷)
بررسی و شناخت کمبودها و نیازها و نارسایی‌های اجتماعی ، اقتصادی و عمرانی بهداشتی فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی حوزه انتخابیه و ارائه راه‌حل‌ها به مقامات مسئول " (ماده ۱۹) از وظایف شوراهاست . آنها در این زمینه اختیار دارند که " طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی تهیه و به شوراهای مالوق جهت اطلاع و برنامه‌ریزی و به مقامات مسئول اجرایی جهت اقدامات ممکن " ارائه دهند .

بر اساس این قانون ، شوراهای در تمام زمینه‌ها ، و در تمام امور حوزه انتخابیه خود حق نظارت دارند . آنها همچنین حق دارند " شکایات مردم در مورد نارسایی سازمانها و ادارات و نهادهای حوزه مربوطه از طریق مقامات مسئول ،

را بگیری کند . نصب و عزل شهردار و نصب و عزل دادخوا از حقوق شوراهاست .

مواد یادشده و سایر موادی که در این قانون برای تأمین مشارکت مردم در حیات سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و امور اجتماعی مورد تأکید و تصویب قرار گرفته است ، از سوی " جریان مخالف راستگرای مجلس بارها مورد تهدید و مخالفت قرار گرفته است .

در نخستین جلسه بررسی و تصویب طرح ، نمایندگان مخالف راستگرا ، اصل قانون اساسی را که بر مشارکت مردم در امور بطریق شورایی تأکید دارد مورد تردید قرار دادند و بگسیختگی از آنان اعلام کرد شوراهایی که این طرح بر آن تأکید دارد " پگتنوع افکار سوسیالیستی پیاده کردن است "

در سومین جلسه علنی مجلس برای بررسی و تصویب طرح ، مخالفان راستگرا با جمع آوری قوای خود ، پیشنهادی به امضا ۲۹ نماینده تسلیم هیئت رئیسه مجلس کردند و خواهان آن شدند که " طرح مسکوت بماند " . آنها مدعی شدند که اگر شوراهای مردمی تشکیل شود ، ضدانقلاب سواستفاده خواهد کرد ، هرچیز مرج همعا را فراموشی کرد و خلاصه اینکه اگر مردم شورا داشته باشند خشت روی خشت بند نخواهد شد . در مقابل با این تهاجم ، رئیس مجلس ، حجت الاسلام رفسنجانی اعلام کرد :

" ما اگر قبول داریم که ملت پشتیبان این حکومت هستند ، اگر قبول داریم که این حکومت ، حکومت مردمی است و اگر قبول داریم که ما منتخب مردم هستیم از دخالت مردم هیچ نباید وحشت کرد ... اصلا دواي درد اساسی مملکت ، امروز این شوراهاست "

پیشنهاد مسکوت ماندن طرح به رای گذاشته شد . از ۱۸۳ نفر حاضر در جلسه ۷۲ نفر موافق مسکوت گذاشتن طرح بودند و ۱۰۹ نفر در موافقت با ادامه بررسی و تصویب طرح قیام کردند ، و به این ترتیب بررسی و تصویب طرح شوراها در مجلس ادامه یافت .

مخالفان راستگرا ، در طول مباحثاتی که بهرامون تصویب طرح در مجلس جریان داشت تمام کوشش خود را بکار بستند تا از طرح تشکیل شوراهای کشوری ، شریعی ، بال و دم و انکی بمانند . هدف آنها این بود که تا آنجا که می توانند ، شوراهایی را به تصویب برسانند که ابزاری بی ریش ، فرمایشی و بی خاصیت است . هیچگونه اختیاری ندارد و تنها برای خالی نمودن عریضه است . بر همین اساسی از نمایندگان مخالف راستگرا پیشنهاد کرد :

" اگرچه حال مسکوت ماندن آن رای نیاورد ولی یک مقدار دقت بشود در بقیه که حساب شده رای بدهیم " این " یک مقدار حساب شده " تعرض به مواضع نمایندگان خط آسانی که از شوراهای مردمی و اختیارات قانونی آن دفاع می کردند ، به منظور کاستن از حقوق و اختیارات شوراها بود . بر این زمینه مخالفان " پیشنهاد حذف مواردی از طرح را دادند ، از جمله پیشنهاد کردند تشکیل انجمن ها و نهادهای اجتماعی ، امدادی ، ارشادی ، امور خیریه ، با هماهنگی ارگان های اجرایی ، تأسیس تعاونی های تولید و توزیع و مصرف ، حق عزل و نصب شهردار ، انتخابات اعضای شوراها از پائین به بالا "

و کمک دولت به شوراها در صورت کمبود بودجه حذف گردد ، خوشبختانه این موارد حذف نگردید . لیکن موارد دیگری از قبول "تقسیم عادلانه آبهای صباح "

توسط شوراها " که به تعبیر حجت الاسلام بزدی تداخل مسئولیتها را پیش می آورد ، " هماهنگی شوراها با سپاه " که بزعم واضع ، " به شوراها حق می دهد که دانش شیطنت بکنند " از طرح مزبور حذف شد . طی مباحثاتی که بهرامون موافق یادشده ، در مجلس ادامه یافت دو " خط " " خط انجمن ها " که انگای جدی آن بر مردم است از مشارکت و حضور متشکل آنان در صحنه ، برای حفظ و گسترش انقلاب و پاسداری از دستاوردهای آن دفاع می کند ، و خط مخالف راستگرا که از حضور مردم و مشارکت آنان در امور هراسان است ، در نبرد سرنوشت ، خصوصیات خود را هرچه بیشتر آشکار کردند . حجت الاسلام رفسنجانی سخنوری برجسته خط امام معتقد بود :

" اصل قانون اساسی به مفهوم حق تصمیم گیری و اداره برای شوراهاست " در حالی که آقای موسوی نماینده تبریز اعتقاد داشت :

" این تصمیم گیری و اداره از راه نظارت است " مخالفان معتقد بودند : " اختیارات اجرایی شوراها موجب تداخل مسئولیتها می گردد و بنابراین خلاف قانون اساسی است " و موافقان می گفتند : " اینکه گفته می شود شوراها کار اجرایی نمی توانند بکنند این برخلاف قانون اساسی است "

نمایندگان مخالف راستگرا اعلام کردند : " نظام شورایی را در اجرا ما نمی پذیریم " و نمایندگان خط آسانی تصریح می کردند : " اگر به مردم مسئولیت داده شود خیلی خوبتر و خیلی بهتر نسبت به پیش از انقلاب ، یعنی در جریان انقلاب و بعد از انقلاب خالصانه عمل خواهند کرد .

سرانجام طرح تشکیل شوراهای کشوری ، به تصویب اکثریت نمایندگان مجلس رسید . هرچند پاره ای اشکالات جدی و در مواردی منابر با قانون اساسی در آن باقی ماند که عمدتا امتیازی است که " جریان مخالف راستگرا " بدست آورده است .

از مهم ترین نواقص طرح ، که صبر و نشان " مخالفان راستگرا " با وضوح تمام در آن چشم می خورد مواردی از ماده ۲۴ ، شرایط انتخاب شوندگان است ، در این ماده دفاع از انقلاب و مبارزه در راه آماج های آن ، و پای بندی بدون خدشه به قانون اساسی که معیار و ملاک اصلی تشخیص صلاحیت افراد است جزء شرایط انتخاب شوندگان قرار داده نشده است و بهای آن فرمول " اعتقاد و تعهد عینی به اسلام " اصل قرار گرفته است و این در حالی است که رئیس

جمهور در خطابه اخیر خود در مشهد ، با صراحت تمام اعلام می کند :
" باید صف بندی میان حق و باطل را درست تشخیص داده آن را خوب
بشناسیم ... همه صف بندی ها در جامعه باید به صف بندی انقلاب و
ضد انقلاب تبدیل شود و ما هر صف بندی دیگری را مردود می دانیم " و اضافه
می کند " اگر اینطور نباشد در مبارزه ، ناگامی بزرگی بهار خواهد آمد ، زیرا
وقتی که به مشکلات خود می نگریم دست پشیمان آمریکا و هم پیمانان و مزدورانش
را به وضوح می بینیم

به نظر ما این سیاست به هیچ وجه قابل توجه و پذیرش نیست که از یک طرف
مخالفین و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن اجازه بمانند
در شوراهای و بطور کلی نظام جمهوری اسلامی ایران رسوخ کنند و از سوی
دیگر بخشی از مدافعان و پشتیبانان انقلاب ، جمهوری اسلامی ، قانون اساسی
و خط امام به دلیل عقایدشان از شرکت فعال ، در شوراهای و تمام فعالیت های
اجتماعی و سیاسی محروم شوند . محروم ساختن دگراندیشان مدافع انقلاب ،
پشتیمان خط مردمی اسام خمینی و پای بند به قانون اساسی ، از حقوق
اجتماعی ، نقض آشکار قانون اساسی است . این کار میدان دادن به " جریان
مخالف راستگرا " است که با " حربه " اسلام نمایی " به میدان می آید . دست
در کار ناراضی تراشی ، بیخ و شکست انقلاب است . این تدبیر به شانز
" جریان مخالف راستگرا " بی امتیازی به همدار جدی اسام خمینی است
که در دیدار یکشنبه ۱۲ شهریور با هیئت های بازسازی گفتند :

" ممکن است که در بین شما عده ای باشد که به اسم حزب الله وارد بشوند و
به اسم حزب الله گارهای شما را فلج کنند ، گارشکنی کنند "

طرح تشکیل شوراهای کنوری ، از زیر آتشبار بی امان " جریان مخالف
راستگرا " هر چند با نقصها و آسیب هایی گذشت و در مجموع ، با مضمون
ترقی خواهانانیکه جهت اصلی آن مشارکت دادن مردم در امور مربوط به خود
آنان است به تصویب رسید . حال در صورتیکه مصوبه مزبور از " جوان
شورای نگهبان به سلامت بگذرد ، و در بین راه " ذبح شرمی " نشود ،
می توان گفت که در راه تحقق یکی از آماد های اساسی انقلاب ، پیروزی بزرگی
نصیب انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ما شده است . آنگاه نوبت جنبه اصلی
که همانا میدان عمل و اجراست ، فرا می رسد . در آنجا هتباری و پیگیری
بسیار لازم است تا در پرتو تلاش و همکاری همه نیروهای مردمی و حواستار
تعمیق انقلاب ، قطع نظر از تفاوت در نظرگاه های فلسفی و معتقدات مسلکی
قانون ، بدون خدشه به اجرا درآید و در خدمت تحکیم و تعمیق انقلاب بکار
بسته شود . آشنایی دقیق دوستان و رفقا از این قانون مهم ، کار پیگیر برای
آشناساختن مردم به آن ، تشویق مردم به شرکت فعال در تشکیل و تقویت
این شوراهای ، افشاکاری قاطع از خط ها و جریان های مخالف آن ، وظیفه
انقلابی بزرگی در متشکل ساختن نودهای دهها میلیون است . در دفاع از
انقلاب و پشتیبانی از خط مردمی اسام خمینی است این وظیفه انقلابی
را باید عمقا درک کنیم و در راه انجام آن فدائارانه بکوشیم .

ناراضی کردن مردم از انقلاب و جمهوری اسلامی حربه مهم ضد انقلاب

رویدادهای ماههای اخیر و مروری بر اوضاع عمومی کشور در این مدت به وضوح حاکی از آن است که شمال آمریکا و تمام جبهه متحد ضدانقلاب بر تلاشهای تخریبی و مسموم خود در جهت ناراضی کردن و جدا کردن مردم از انقلاب و حاکمیت انقلابی خط امام افزوده‌اند. اکنون بطور قطع باید گفت که پس از شکست توطئه‌های مکرر امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن برای نابودی دستاوردهای انقلاب، توطئه ناراضی کردن مردم و دست کردن بشتوانه نودهای انقلاب یکی از اهدافی است که بیش از گذشته در ابعاد و جهات مختلف توسط ضدانقلاب دنبال می‌شود. به اعتقاد ما خطرانی حدی از این زاویه، انقلاب را تهدید می‌کند که بر عهده همه نیروهای مدافع انقلاب است که هرآنچه در توان دارند بکار گیرند که آن را اجتناب کنند.

یکی از مهمترین ویژگی‌های برجسته انقلاب ایران حضور فعال توده‌ها در صحنه و مشارکت وسیع آنها برای حفظ انقلاب بوده است. تمام دست‌های که از رنج کار و زحمر بی‌مدالتی، بی‌پناه هستند، برای این انقلاب زحمت کشیده‌اند و آنها هستند که تحت رهبری امام خمینی این انقلاب را بدینجا رسانیده‌اند. آمریکا و ایادی داخلی و خارجی‌اش نیز خوب می‌دانند که این مردم، بنده عمر این انقلابند که اگر بشکنند و دست از حمایت از انقلاب بردارند انقلاب درهم خواهد شکست.

آنچه در رورهای اخیر حالت توجه و امیدوارکننده است آن است که رهبر انقلاب و برجسته‌ترین نمایندگان خط امام خطر این نقشه ضدانقلاب را شناخته‌اند و روی آن تأکید حدی داشته‌اند. امام در هفته‌های که گذشت در دیدار با وزیر پست و تلگراف تأکید کردید:

"مراقبت باشید کسی ناراضی نشود"

امام در سخنان متوسط خود در دیدار با اعضای هیات‌های بازسازی نیز روی ضرورت کنار گذاشتن و پاکسازی "اشخاصی که می‌خواهند ناراضی در بین مردم ایجاد کنند" انگشت گذاشتند و به مسئولان هشدار دادند که:

"ببادا مردم سرخسورده شوند از دولت"

در اجرای این رهنمود امام وظیفه مسئولان جمهوری اسلامی است که قبل از هر چیز علل و عوامل رشد ناراضی در میان مردم را بشناسند و در مقابله با

این همل و عوامل، راه‌های چاره‌مردمی، انقلابی و منطقی در پیش گیرند. شک نباید کرد که منبع و منشأ و عامل اصلی رشددهنده ناراضی در میان مردم، حسیه متحد ضدانقلاب بسرکردگی امیربالیسیم امریکاست. این حسیه با اعمال فشار نظامی از داخل و خارج کشور، با اعمال فشار اقتصادی از داخل و خارج خود در سیستم حاکم با از طریق دیگر، با تشدید تبلیغات مسموم و گمراه‌کننده و به‌سیراهه‌کشیدن بخش مهمی از نیروهای ضدامریالیستی و مردمی می‌کوشند که به موج ناراضی دامن زنند. مردم را از دفاع از انقلاب و حاکمیت انقلابی منصرف سازند و با دست‌کم به تردید اندازند و منفعل سازند. و البته دوستان ناآگاه و کم‌آگاه، خودبین و تنگ‌نگر انقلاب نیز نه تنها کمکی به خنثی کردن این توطئه امیرالیستی نمی‌کنند، بلکه در عمل با پیش‌گرفتن اقدامات ناراضی‌ترانه و اتخاذ تصمیمات غلط در بسیاری موارد، کارهایشان به سود نقشه شوم ناراضی‌تراشی امیرالیستی تمام می‌شود. ما در این مختصر رفوس سهم توطئه ناراضی‌تراشی امیرالیسیم را که در جهات مختلف و به اشکال گوناگون در حال گسترش است، توضیح می‌دهیم و بر راه‌های صحیح مقابله با آن اشاراتی می‌کنیم.

(۱۹)

« توطئه فرسایشی کردن جنگ، توطئه اصلی است. »

ادامه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که به تحریک امریکا و در جهت منافع وی بدست رژیم صدام آغاز شد در شرایط فعلی یکی از حلقه‌های مهم توطئه امیرالیسیم امریکا برای فرسایش نیروی نظامی، اقتصادی، سیاسی و به‌ویژه برای فرسایش نیروی توده‌ای انقلاب یعنی گسترش ناراضی است. امیرالیسیم امریکا می‌کوشد از طریق ادامه جنگ و درگیرنگاهداشتن بی‌فرجام نیروهای مسلح دولت جمهوری اسلامی، مردم زحمتکش ما را که از همه نظر بار اصلی جنگ را می‌کشند، کاری کند که از دولت سرخورده شوند و بدین ترتیب مهم‌ترین عامل نیرومندی و پایداری انقلاب ما که همانا حمایت مردم است، تضعیف گردد و راه برای درهم‌شکستن آن باز شود.

ما تاکنون مکرراً و با احساس مسئولیت انقلابی در مورد تمام جوانب و ابعاد این توطئه خطرناک امیرالیسیم امریکا و ارتجاع منطقه هشدار داده‌ایم و اکنون جای آن است که رفقا بطور جدی روی این وجه از این توطئه خطرناک بیشتر مکت کنند. آن را برای دوستان، آشنايان خود تشریح نمایند و ضرورت تدقیق ارزیابی‌های موجود و عطف‌توجه بیشتر مسئولان جمهوری اسلامی به واقعات را توضیح دهند.

(۱۹)

« محروم کردن انقلاب از نیروهای متخصص مومن به انقلاب »

ناراضی‌تراشی و پراکندن مردم از حول پرچم انقلاب به تأثیر موارد برشورده در فوق محدود نیست. در آخرین تحلیل نحوه همل دستگاه دولتی و سیاست آن در حل مسائل و مضامین موجود تأثیر بسیار جدی و حتی تعیین‌کننده بر آذهان مردم دارد این درست است که ضدانقلاب بسرکردگی امریکا با تمام نیرو به تمامی اشکال چه از خارج و چه از داخل، چه از طریق نفوذ دادن عناصر خود در دستگاه حاکم و چوب‌زنی چرخ انقلاب انداختن می‌کوشد مردم را از انقلاب جدا سازد با این همه چنانچه سیاست درست و اصولی در برخورد با این تلاش‌ها صورت گیرد بهمانا تیر امیرالیسیم و عداوتش به منت می‌خورد. شکی نیست که تلاش امیرالیسیم این است که انقلاب ما از نیروی متخصص مومن به انقلاب و پرورش‌یافته در دامان انقلاب محروم شود و جای آنها را عناصر ضدانقلاب پرورده شکوک، مجبورالسابقه، نودانشتر، تاراشکن و ناسالم بگیرد تا هم گمسه خود را پرکنند و هم مردم را ناراضی کنند و هم چرخ انقلاب را بخوابانند. نمونه آشکار این تلاش را می‌توان در خطی که تلاش می‌کند دانشگاه‌ها را بسته نگاهدارد و با از قانون بازسازی، ساطوری علیه نیروهای مومن و متعهد به انقلاب بسازد و آنها را بیرون بریزد مشاهده کرد. به اعتقاد ما همان خطی که عنودانه جلوی باز شدن دانشگاه‌ها را گرفته که مبادا در آنها دانشجویانی از زمره دانشجویان مسلمان بیرو خط امام تربیت شوند. همان خطی که دو سال و نیم است جلوی احرای رهنمود آیت‌الله منتظری را گرفته که می‌گویند «نیروها و اساتید مومن و متعهد به انقلاب را به دانشگاه‌ها جذب کنید» و دانشگاه‌ها را به بیانه ندانستن اساتید مکتبی و دانشجویان مکتبی و برنامه‌های مکتبی بسته نگاهداشته و اصرار دارد که بهتر است کشور از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشورهای امیرالیستی استفاده کند همان خط در آموزش و پرورش نیز چنان کارشکنی کرده است تا آنها این وزارتخانه را از نیروهای متخصص و کارآمد مومن و متعهد به انقلاب تهی کرده است که نتایج امتحانات خرداد دیستان‌ها و دیستان‌ها چنان اضمحمار شد که تاکنون مسئولان مربوطه صلاح‌نندیده‌اند هیچ آمار رسمی درباره آمار و حشتناک ردی‌ها و تجدیدی‌های اسال منتشر کنند. همین خط در پاکسازی سایر ادارات می‌کوشد که خود را غالب کند و کاری کند که انقلاب نتواند از

تصویب شخص مومن به انقلاب بهره‌گیرد. پیبوده نیست که امام در دیدارها
هیات‌های بازاری حطاب به آنها تاکید دارند که :
"ممكن است گسائی وارد بشوند و افراد غیر صالح را حفظ کنند . افراد صالح
را کنار بگذارند"
این نکته واضح است که تاثیر یک عمل ضدانقلابی . ضدکارگری . مستکبربند
و نفاق افکنانه که در ادارات و نهادهای توسط وابستگان جمهوری اسلامی ایران
صورت بگیرد . صدها برابر توطئه‌های بستیم آمریکا معاشی در ناراضی‌ترانی
و بی‌امتداد کردن مردم نیست به حکومت اثر می‌بخشد . واقصت این است که
دهها بوکت نه تری صدام و صدها جنایت فاشستی او هرگز نتوانست به اندازه
تعلل در انجام اصلاحات بنیادینی که سهل است حتی به اندازه صدور یک حکم
نامادلانه در این با آن دادگاه انقلاب و با احتیاط و رتوسوحواری در فلان اداره
و یا کارشکی در فلان بوسه در دامپزدن به جو ناراضی موثر واقع شود . امام
بارها و بارها روی اصعبت عمل صالح مسئولان جمهوری اسلامی و کارکنان
نهادهای و ادارات تاکید داشته‌اند و این خود اهمیت این مساله را می‌رساند .

(۱۹)

اهمیت درپیش‌گرفتن راه صحیح شگوفایی اقتصاد
و رسیدن به استقلال اقتصادی

از ابتدای پیروزی انقلاب تا امروز آمریکا و پایگاه داخلی اصلی آن یعنی
کلان‌سرمایه‌داری و بزرگمالکی از طریق محاصره اقتصادی و کارشکی در تولید و
سپان کردن اقتصاد کشور از یک سو و از طریق اختلال در مناسبات ایران با
کشورهای که حاضرند از طریق گسترش همکاری‌های برابری حقوقی ما را در ایجاد
صنایع سنگین و مادر و رسیدن به استقلال و شگوفایی اقتصادی باری دهند .
کوشیده‌اند راه رفع بحران اقتصادی . فلبه بر مقیاس‌اندکی . کمبود . بکارگی و
گسائی را سد کنند و بطور کلی زندگی اقتصادی کشور را فلج کنند . آنها
می‌خواهند مردم خیال کنند نابسامانی‌های موجود ناشی از پیروزی انقلاب و
آدمه ساززه با امپریالیسم سرکردگی آمریکا است . آنها می‌خواهند مردم خیال
کنند حاکمیت انقلابی اصلا نمی‌تواند اقتصاد کشور را شگوفای یازد و کشور را به
طرف استقلال اقتصادی هدایت کند . آنها بدین وسیله می‌کوشند مردم را از
آدمه انقلاب و از پشتیبانی از خط ضدامپریالیستی و مردمی اصعبت خصیصی
منصرف و مایوس سازند . رفقا باید به این مهم توجه جدی داشته باشند که
تلاش برای تیره‌کردن روابط ما با اتحاد شوروی و همه کشورهای شرقی و انقلابی
که نقشه آن را بر زمینگی ریخته است . توطئه شومی است برای بازداشتن انقلاب
از راهی که همه کشورهای نواستقلال و ضدامپریالیست برای توسعه اقتصادی خود
و تحکیم استقلال خود پیروزندانه درپیش می‌گیرند . رفقا باید به همگان توضیح
دهند که ناراضی کردن و دلزد کردن مردم که نتیجه آن تضعیف پشتوانه مردمی
انقلاب است با تضعیف موقیعت و توان دولت در حل مشکلات اقتصادی و قطع
وابستگی به امپریالیسم و توسعه اقتصادی ارتباط تنگاتنگ دارد . اعمال نفوذ
مناصر و تاثیر نسلبات ضدانقلاب که به منظور ایجاد تردید و نزلزل در انتخاب
راه صحیح و عملی تاسیس و گسترش صنایع سنگین و مادر و قطع قاطعانه وابستگی
اقتصادی به امپریالیسم احام می‌شود . همراه با اعمال محاصره و محار اقتصادی
از خارج یکی از حربهای مهم ضدانقلاب و امپریالیسم در ناراضی کردن و به
سیراهه‌کشاندن مردم و تضعیف انقلاب است .

(۱۹)

زمان اقدامات افراطی ، بی‌رویه و خودسرانه

و بلاخره باید از تلاش‌های دیگری سخن گفت که از طریق اعمال فشارها ،
بی‌مورد بر مردم از طریق افراطی‌گری مذهبی . از طریق عمده‌کردن مسافله بکلی
بی‌اهمیت سعی دارد مردم را هاسی کند . این کارها را در ذهن مردم به حساب
تمام حاکمیت به‌ویژه نمایندگان شناخته‌شده خط امام و روحانیات ضدامپریالیست
و دارای گرایش مردمی هم بنویسد . این جریان که لباس مقدس‌هایی را هم به
عبارت گرفته است با علم‌کردن شعار "مرگ بر بی‌حجاب" با علم‌کردن و
پافشاری روی جدا کردن زنان و مردان در اتوبوس‌ها . با محروم کردن بخش
وسعی از مردان و تقریبا تمام زنان از ورزش . با مداخله ناانحصار در زندگی
خصوصی مردم . سعی در تحمیل حجاب‌ها و رسم خاسی در زندگی خصوصی به
دیگران و حتی به پیروان سایر مذاهب (که گوشه‌ای از آن در سخن اخیر نماینده
اراضه جنوب در مجلس منعکس شد) و دهها و دهها مورد دیگر دانسته و
ندانسته در این سال‌ونیم پس از انقلاب لحظه‌ای هم از براکتیتم مردم و
غفلت‌کردن شور و شوق آنان در دفاع از انقلاب و ایجاد جو سرخوردگی غافل
نموده است واقصت این است که گرچه در این جریان هم مقدس‌های مذهبی که
مذهب را وسیله دفاع از سرمایه‌داری ساختند و خود را خطی طرفدار فرع
نشان می‌دهند که مشتاقان باز نشود . تیره‌کردن اصلی هستند . اما متأسفانه
به‌ویژه در شهرستان‌ها بسیاری از عناصر مذهبی صادق نیز گول قفاهه . گول ریش
گول نازو گول ظاهر این عناصر را خورده‌اند و مغل را می‌پروند که آنها
می‌خواهند . راهی که هدف و مقصد آن تشدید ناراضی مردم است .

همچنانچه صبه متحد ضدانقلاب سرکردگی آمریکا . از خارج . از داخل . در
بیرون دستگاه حاکم . از درون آن . در تمامی ابعاد . در طرون مختلف به
اشکال نظامی . اقتصادی . سیاسی و اجتماعی برای سنگین کردن پشتوانه توده‌های
انقلاب بوسیله تشدید شده است و ناراضی‌ترانی به صورت یکی از
نگران‌کننده‌ترین حربهای ضدانقلاب در رویاوسی با انقلاب درآمده است .
و از سوی دیگر اظهارات اخیر رهبر انقلاب و تاکید برجسته‌ترین پیروان خط امام
در هفته‌های اخیر نشان می‌دهد که شناخت نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری
اسلامی از این توطئه دشمن تا حد قابل توجهی رو به تصحیح است به‌گونه‌ای که
برجسته‌ترین نمایندگان خط امام بر این واقصت تکیه می‌کنند که چه‌جا ریش و
تسبیح و منسوت در انجمن اسلامی توسط ضدانقلاب به صورت حربهای برای
ناراضی‌ترانی و هوسانداختن لای جرخ انقلاب و کارشکی در راه حل
اساسی‌ترین مسائل انقلاب مورد استفاده قرار گیرد و این پدیده‌های استدر
در جامعه باید به صف‌بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود . این تاکید در
واقع بیان دیگری است از این واقصت که ریش و تسبیح و نماز . که محتضی‌ها
و ترکاه آنها می‌خواهند به عنوان ملاک به مردم فالت کنند . ملاک نیست و چه
بسا کشمیری‌ها و کلاهی‌ها و قطب‌زاده‌ها و شرمننداری‌ها و بسیاری کسان دیگر که
کسی حتی حرقت ندارد در مسلمان‌بودنشان تردید کند . از کین خودترین
دشمنان خطرناک خط امام و انقلاب باشند و هستند . دشمنان خطرناکی که صرفا
برای ناراضی‌ترانی و توطئه‌گری و ضربزدن به انقلاب از ملاک‌های فلت تشخیص
دوستان و دشمنان انقلاب استفاده کرده و بدون صف انقلاب خریدمانند . اصام
عظیمی در دیدار احباب‌های بازاری به‌رستی می‌گویند :

"چه با آنها بی که وارد می‌شوند می‌خواهند که برهنگاه آن چیزی که اسلام
افتخار می‌کند عمل بکنند و مردم را ناراضی کنند . . . ممکن است در بین شما
همه‌ای باشند که به اسم حزب‌اللهی وارد بشوند به اسم حزب‌الله کارهای شما را
فلج کنند
رفقا می‌باید با توضیح هرچه وسیع تر همه اشکال و جوانب و مرصمهای توطئه
صبه متحد ضدانقلاب سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای فلج‌ساختن . تضعیف و
فرسایش انقلاب ایران که یکی از ارکان اصلی آن ناراضی‌ترانی است مردم را
نصبت به خطرانی که از این جهت متوجه انقلاب است هرچه بیشتر آگاه سازند
و این مساله را تشریح کنند که یکی از طرق موثری که بدین‌منظور وسیعا مورد
استفاده ضدانقلاب قرار می‌گیرد . همانگونه که امام تشریح کرده‌اند استفاده از
پوشش اسلامی و تظاهر به سلمانی برای ضربزدن به پشتوانه مردمی جمهوری
اسلامی و دلزد کردن و دور کردن مردم از انقلاب است ."

(۱۹)

با تشریح در انجام اصلاحات بنیادین
کسر ناراضی‌ترانان خواهد شکست

پیش از دو سال و نیم است که از پیروزی انقلاب می‌گذرد . مردم بحق انتظار
داشته‌اند که در این مدت اقدامات بنیادین برای برهم‌زدن نظم ظلم فاشستی و
مبارکزدن جیاولگری سرمایه‌داران و ملاکین صورت گیرد . آنها که انقلاب را به
پیروزی رسانده‌اند . به گفته‌های همین پانچ‌همما و کوشش‌ها و جنوب‌گیری‌ها
بوده‌اند . آنها از انقلاب انتظار داشته و دارند که عدالت اجتماعی را برای
آنها به ارفغان آورد . توده‌های دهها میلیون محرومان شهر و روستا بحق
انتظار دارند به جیاولگری کلان‌سرمایه‌داران و بزرگمالکان خاسه داده شود .
بند ح و د اجرا شود . بازگانی خارجی دولتی خود . تجارت داخلی
از انحصار تجار بزرگ و محکرمین زالوصفت بدرآید . سرمایه‌داری خصوصی
سپار شود . بخش دولتی و تعاونی بطور جدی مورد حمایت قرار گیرد و گسترش
یابد . ثروت‌های کلانی که همه و همه دست‌خیز این مردم زحمتکش است به
صاحب اصلی آن یعنی به مالکیت حاکمیت انقلابی درآید . متأسفانه تا امروز
کستراتونی در این زمینه‌های اساسی به اجرا درآمده است . قوانین مربوطه
اصلاحات بنیادین . هرکدام در یکی از "خوان‌ها گرفتار شده‌اند و حقوق
باندانند با اصلا شلخته‌اند و گرفتار "ذبح‌خیزی" گردیده‌اند . عدم انجام
اصلاحات بنیادین و "تیر و توجیه‌ناپذیر مردم را مایوس می‌کند
مقاومت عهودانه بزرگمالکان و کلان‌سرمایه‌داران . که این روزها عمدتا با توسل
دروغین و رایگانانه به اصول "شرح" صورت می‌گیرد . و متأسفانه تا امروز
سختی از مسئولان طراز اول جمهوری اسلامی را نیز تحت تاثیر قرار داده است
قابل سیم و کاملا قابل تاکید "ناراضی‌ترانی" است . تردید و تعلل در
انجام اصلاحات بنیادین . در دادن حق عادلانه مردم در لجام‌زدن به
جیاولگری نماز . ملاکین و سرمایه‌داران زالوصفت مردم را به حق ناراضی می‌کند
و انقلاب را از پشتوانه عظیم آن که توده‌ها هستند محروم می‌کند . خوشبختانه
نمایندگان اصیل خط امام از جمله آیت‌الله‌عظمی منتظری به این مهم توجه
دارند . حکم ایشان به حجت‌الاسلام فاضل‌هرندی و تاکید بر عدم وقفه در کار
هیات‌های هفت نفره نشانی از همین امر است . خطبه‌ها و گفته‌های
حجت‌الاسلام رفسحانی نیز همین هدف صحیح را دنبال می‌کند و موضع‌گیری‌های
اخیر حجت‌الاسلام خوشبختی‌ها هم بوضوح در همین مسرا است .
راست این است که در لحظه کنونی تنها با روشنگری انقلابی و افشای قاطعانه
ماهیت "جریان مخالف راستگرا" . توضیح اهداف واقعی این جریان که بخشی
از آن در انجمن حجه و بخشی دیگر در پوشش‌های مذهبی دیگر و تحت
هدایت اصالت شرمننداری‌های خارج و داخل عمل می‌کنند و از آن سبتر با
دست‌زدن به اقدامات انقلابی عاجل برای مبارکزدن جیاولگری سرمایه‌داران و
ملاکین . بطور قطع خط امام و مجموعه انقلاب تقویت خواهد شد . سکوت در

برابر این جریان انحرافی مدافع سرمایه‌داری و طرفداران خمبول و فخرخجول آمریکا چیزی است که ضدانقلاب خواهان آن است. تنها نتیجه این سکوت تشدید بی‌اعتمادی مردم و سستی دفاع آنها از انقلاب و جمهوری اسلامی است. رفقا در مباحثات خود باید توجه جدی به این مهم داشته باشند و در همه جا این حقیقت را توضیح دهند که سهل‌ترین راه شکست مقاومت نمودانه حامیان و طرفداران کلان سرمایه‌داران و بزرگمالکان و مخالفین اصلاحات بنیادین فقط و فقط تسلیم‌نشدن به این مقاومت است. تنها در این صورت است که توطئه ناراستی‌ترانی که از طریق معوق‌گذاشتن اصلاحات بنیادین و نوسدکردن مردم از انجام کارها به سود آنها انجام می‌شود، بطسور قطع شکست خواهد خورد. مادر همه جا، نه یک بار بلکه صدها بار توضیح خواهیم داد که برای حفظ مردم در حمایت از انقلاب باید چیزهایی را که مردم می‌خواهند به آنها داد. ما همه باید توضیح دهیم که بزرگترین نقطه آسود و نقطه اتکالی امر بهائیسیم آمریکا و همه اعمال داخلی و خارجی آن این است که این اصلاحات انجام نشود. زیرا اگر انجام شود نه تنها انقلاب و حاکمیت انقلابی از پایگاه توده‌های عظیمی برخوردار خواهند ماند، و استوار خواهند شد، بلکه ضدانقلاب و در رأس همه آمریکا سبز بهترین پایگاه توطئه و تحریب خود را از دست خواهند داد. براندازی کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی درحکم شکستن کمر جبهه متحد ضدانقلاب به سرکردگی امریکاست. ما همچنین در این بحث باید توضیح دهیم که این نظر نمایندگان اصیل خط امام بسیار صحیح است که تروریسم اقتصادی پایگاه تروریسم سیاسی است و تروریسم‌های اقتصادی به مراتب ریشه‌دارتر و در زمین حال قس‌القلب‌ترند. ما روی این حقیقت تاکید جدی داریم که تروریسم سیاسی یکی از حرب‌های تروریسم اقتصادی برای به تعویق انداختن اصلاحات بنیادین و تشدید ناراضی‌هاست. مادر این مورد تاکید جدی داریم راه‌تقابلیه بنیادین با تروریسم سیاسی، ریشه‌کن کردن تروریسم اقتصادی است.

(۱۹)

آگاهی بیشتر مردم از محاکمه قطب‌زاده خط‌امام را تقویت می‌کند

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران شنبه ۲۵ شهریور، پرونده صادق قطب‌زاده و ۱۲ تن از همدستانش محتومه اعلام گردید و دادگاه برای صدور حکم وارد شور شد. همین خبرگزاری اضافه می‌کند احتمالا اگر پرونده مالی قطب‌زاده احتیاج به بررسی مجدد نداشته باشد، اوایل هفته آینده احکام متعین صادر خواهد شد و در صورت بررسی بیشتر، این احکام یک هفته بعد صادر و انتشار خواهد یافت.

محاکمه قطب‌زاده و همدستان آن، که خیانت و جنایت‌انان علیه انقلاب خارج از وصف است، علیرغم توجیه و معاصیت افکار عمومی به سائلی که در دادگاه عنوان شده است با بی‌اعتنایی صنی‌داری از سوی مطبوعات روبرو بود. اخبار و گزارش‌هایی که در مطبوعات بهرامون محاکمه قطب‌زاده انتشار یافته است، آنقدر دم‌بریده و مختصر است که می‌توان گفت در نهایت خطی بر رسانه‌های گروهی تحصیل شد که در جهت "کوچک" و "عادی" جلوگیری از توطئه قطب‌زاده - شریعت‌داری عمل می‌کند. کار بی‌اعتنایی صنی‌دار نسبت به توطئه قطب‌زاده - شریعت‌داری به آنجا کشید که روزنامه جمهوری اسلامی حتی از درج گزارش کوتاه بعضی از جلسات دادگاه خودداری ورزید و در کجپان و اطلاعات نیز، خطی تلاش کرد که چهره مصومانه و توبه‌شده‌ای از قطب‌زاده و همدستان آن در افکار عمومی ترسیم نماید.

اکنون مردم انقلابی میهنان که از خیانت و جنایات قطب‌زاده‌ها، زخم‌های فراوان بر تن دارند، با نگرانی سرشار به حکم دادگاه انقلاب چشم دوخته‌اند، تاخیر در محاکمه قطب‌زاده، سیاست بی‌اعتنایی به توطئه قطب‌زاده - شریعت‌داری در رسانه‌های گروهی، مردم را نگران دست‌های می‌نماید که در تلاش است تا در کار دادگاه انقلاب به سود قطب‌زاده اغلال کند. این نگرانی مردم با طولانی شدن شور دادگاه که روزنامه‌های اول شهریور آن را اعلام کرده بودند دامن زده شد، به‌ویژه آنکه در آغاز دستگیری قطب‌زاده، تلاش کردند مردم را از حقایق بی‌اطلاع نگه‌دارند که خوشبختانه توسط بهروان خط‌امام غنشی گردید. چندی پیش زمانی که افکار عمومی در جستجوی دلیل تاخیر محاکمه قطب‌زاده بود، دادستان انقلاب آقای موسوی تبریزی اطمینان داد:

" ممکن است در این زمینه شایعاتی از سوی دشمن بشود و آنها اظهار بدارند که قطب‌زاده را محاکمه نمی‌کنند همه این گفت‌وگوها بی‌اساس و بی‌مابه است و فقط ایشان و همکارانشان محاکمه خواهند شد و آنچه حاکم شرع به نظر خودش برسد شریک قطب‌زاده را محاکمه و مجازات خواهد کرد."

(اطلاعات ۱۷ - مرداد - ۶۱)

اکنون یک بار دیگر اعلام می‌شود که دادگاه قطب‌زاده وارد شور شده است، روشن است که مردم، مجازات قطب‌زاده را چه می‌دانند. بازای از نمایندگان مجلس بدرستی خاطر نشان ساختند که:

" تاخیر در اعدام قطب‌زاده‌ها، جسارت‌دادن به بقیه همکاران اوست و جرات‌دادن به جریانی است که دامنه‌اش از ایران تا "بن" ادامه دارد."

(کیاوش - جلسه علنی مجلس - یکشنبه ۸ شهریور)

اما چیزی که از مجازات قطب‌زاده اهمیت کتری ندارد این است که مردم

می‌خواهند بدانند که در دادگاه چه گذشت ، این نیاز انقلاب است که مردم بدانند که دشمنان آنان علیه آنها و انقلابشان چه نقشه‌هایی در سر داشتند . تجربه قطب‌زاده و درس‌هایی که از آن باید آموخت ، هنوز آموختنی است و دارای اهمیت است ، به‌ویژه آنکه " قطب‌زاده یک نفر نیست ، یک جریان است ، همچنانکه امپراتور نظام یک نفر نبود و یک جریان بود و جریان فکری او هنوز هم وجود دارد "

(کبک‌اوش - همانجا)

با غلبه خط مسئولان روشن‌بین خط امام در برخورد با توطئه قطب‌زاده - سربرهنداری، مردم تا حدودی از حقایق این توطئه شوم آگاه شدند . این امر نتایج مثبت فراوانی در ارتقاء آگاهی مردم بجا گذاشت ، بخش قسمتی از بازجویی‌های قطب‌زاده و هندستان از سیای جمهوری اسلامی ، شناخت عمیق‌تر مردم را از ضدانقلاب و نقشه‌ها و دسائیس آن به‌ار آورد نیروهای که در آغاز ماجرای قطب‌زاده بکار بسته شد نشان داد که گمان حقایق از مردم تنها به سود ضدانقلاب است . برخلاف نظر مخالفان که می‌گفتند افشای توطئه قطب‌زاده - سربرهنداری و ماهیت آنها خط امام را تضعیف می‌کند ، تجربه اثبات کرد که بیان کامل حقایق به مردم ، انقلاب را استحکام می‌بخشد و پشتیبانی وسیع‌تر آنان را نسبت به خط اصنام ضعیفی برمی‌انگیزد . تاکنون سیاست در میان‌گذشتن حقایق مربوط به توطئه قطب‌زاده - سربرهنداری با آنچه ثمرات مثبت آنچنان که باید ادامه نیافت ، جا داشت که همچون جریان بازجویی، مشروح محاکمات قطب‌زاده و هندستان هم، از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شد . این نیاز همچنان باقی است .

۳ بی قانونی ، تفرقه افکنی و انحصارطلبی ، نقش مخرب
بی اعتنایی به ضرورت تضمین آزادی‌ها و حقوق قانونی مردم

تسلسلویک نمود ضدانقلاب برای مست کردن پشتوانه توده‌ای - انقلاب و
برآکنده کردن مردم به موارد فوق بنده نیست . ضدانقلاب در مسائل مربوط
به آزادی‌های سیاسی ، صنفی و اجتماعی نیز با تمام نیرو مشغول خرابکاری و
کارشکنی است . ارتجاع جهانی و از جمله گلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و
طبیف رنگارنگ مدافعان سرمایه‌داری خیلی خوب فهمیده‌اند که مردم را فقط
زمانی می‌توان شکست داد که نه متحد باشند و نه مشکل . هم از این نظر است
که یکی از مهمترین عرصه‌های نبرد علیه انقلاب آن است که با سنگ اندازی و
مانع تراشی در راه فعالیت همه سازمان‌ها و احزاب مدافع انقلاب با دوهم زنی
شان آنها و به جان هم اندازی آنها ، با بی اعتماد کردن مردم به جریان‌های
سیاسی مدافع انقلاب و اگر نشد با مایوس کردن مردم از استقرار قانون و تضمین
آزادی‌های قانونی ، مردم را از پیوستن به سازمان‌ها و احزاب سیاسی مدافع
انقلاب و فعالیت موثر برای پیشبرد انقلاب بازدارند . مردم ما که حالمان دراز
طعم تلخ اختناق سیاسی راچشمیده‌اند به حق از انقلاب انتظار داشته و دارند که
شرایط فعالیت سیاسی را برای همه گروهها ، سازمانها و احزاب سیاسی مومن و
متعهد به انقلاب فراهم آورند . بی پایه ماندن این خواسته بنیادین و بحق
مردم چه نتیجه‌ای جز تشدید بی اعتمادی و دلسردی بیار می‌آورد . این فکر
غلط است که در سارزه برای تاسین آزادی سیاسی قانونی ، نیروهای سلطان
انقلابی بیرو خط امام با بیروان موسیالیم علمی درگیرند . در این عرصه نیز
بوضوح دیده می‌شود که جنبه‌ها و صف بندی‌های اصلی ، همان صف بندی انقلاب
و ضدانقلاب است . تجربه همه انقلاب‌ها نشان می‌دهد که از تشدید فشار بخشی
از نیروهای مدافع انقلاب علیه بخشی دیگری از نیروهای انقلابی ، همه انقلاب ،
همه نیروهای مدافع انقلاب زبان می‌بندند . تجربه نشان میدهد که نیروهای
مدافع انقلاب هرچه قدر از یکدیگر بیشتر پشتیبانی کنند به همان میزان تمام
انقلاب نیرومندتر و ضدانقلاب زبون‌تر می‌شود . القانات ، اعمال نفوذها ،
خرابکاری‌ها ، و تاثیر سم پاشی و تفرقه افکنی امپریالیسم و ضدانقلاب در جنبه
انقلاب را نباید دست کم گرفت . امپریالیسم و ضدانقلاب از این طریق در
مواردی موفق شده‌اند بخش مهمی از مردم را بفریبند و در مقابل یکدیگر قرار
دهند . در لحظه حاضر باید این حقیقت را آشکارا گفت که منحصر کردن حق
فعالیت آزادانه سیاسی ، حق بیان نظرات از رسانه‌های گروهی به یک جریان
فکری خاص و محروم کردن بقیه نیروها از حق هرگونه اظهارنظر درباره مسائل
میرم مردم و انقلاب ، بی اعتنایی به اهمیت طرح انتقاد سازنده و پیشنهاد
راه حل‌های صحیح ، اعتماد مردم را نسبت به حاکمیت تثبیت نخواهد کرد . این
سیاست که خلاف روش و منش آیت الله شهید مرتضی مطهری ، آیت الله شهید
دکتر بهشتی و همه روحانی است که خط امام به مردم داده است عزیمت کردن
مردم ، جز دلسرد کردن آزاداندیشان مدافع انقلاب ، جز جابگزین کردن ترس
به جای ایمان تهری نخواهد داشت .

گردهمایی سران کشورهای عرب در فاس

دوازدهمین گردهمایی سران کشورهای عرب که روز پانزدهم شهریور ماه (۶ سپتامبر) در فاس از شهرهای مراکش آغاز به کار کرد ، روز جمعه نوزدهم شهریور کار خود را به پایان رساند . مهمترین رویداد این گردهمایی صدور یک قطعنامه مشترک درباره بحران لبنان و مساله فلسطین بوده است . در این قطعنامه خواسته شد که : اسرائیل از سرزمین‌هایی که پس از جنگ ژوئن ۶۷ اشغال کرده از جمله بخش‌های غربی بیت‌المقدس ، بیرون برود ، آبادی‌هایی که در این سرزمین‌ها بنا شده برجای نماند ، یک کشور مستقل فلسطینی که پایتخت آن در بیت‌المقدس با عهده تشکیل گردد و شورای امنیت سازمان ملل متحد تضمین‌هایی

برای صلح به تمام کشورهای منطقه ، از جمله کشور مستقل فلسطین بدهد .

در هفته‌های نخست تجاوز اسرائیل به لبنان نیروهای ضدامپریالیست ، از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین خواستار برگزاری گردهمایی سران عربی برای رسیدگی به تجاوز امریکایی - صهیونیستی به لبنان شدند اما رژیم‌های ارتجاعی و سرسپرده که بخشی از هزینه این تجاوز از کیسه آنها بیرون می‌آید در آن شرایط با برگزاری گردهمایی سران عرب مخالفت کردند و لب فرو بستند و منتظر نتیجه تاخت‌وتازهای امریکا و رژیم صهیونیستی شدند . آنها در شرایطی که سازمان آزادیبخش فلسطین با چند هزار رزمنده در برابر ارتش ۱۲۰ هزار نفری صهیونیست‌ها نبرد می‌نبرد و مردم لبنان و فلسطین ، کودکان و زنان و پسران و غیرنظامیان بدست تجاوزگران قتل‌عام می‌شدند و همه کشورهای و نیروهای مردمی و ضدامپریالیستی جهان به دفاع از مردم لبنان و فلسطین و اعتراض و مخالفت علیه تجاوزگران برخاسته بودند ، حتی حاضر نشدند یک گردهمایی برای بررسی این جنایات و کمک به قطع کشتار مردم تشکیل دهند . آنها تنها زمانی آماده تشکیل این گردهمایی برای "حل و فصل صلح‌آمیز مسائل خاور نزدیک" شدند که نفته "حل و فصل" این مسائل از طریق نظامی ، که توسط امریکا و رژیم صهیونیستی طراحی شده بود ، با شکست روبرو شد و تجاوزگران پشت دروازه‌های بیروت قریب به بن‌بست رسیدند . تجاوز ددمنشانه امریکایی - صهیونیستی به لبنان و مواضع خائنانه رژیم‌های مرتجع در برابر تجاوزگران بیش از هر زمان آنها را در برابر ملت‌های عرب رسوا و منقور کرد . خشم و نفرتی که در جریان این تجاوز از سوی ملل عرب متوجه امریکا و رژیم صهیونیستی شد رژیم‌های ارتجاعی را بقصد هراسان و از آینده بیمناک کرد

در جریان همین تجاوز، سازمان آزادیبخش فلسطین با پایداری قهرمانانه خود و کشورهای عضو جنبه پایداری با مواضع ضدامپریالیستی و درست خود از نفوذ و اعتبار بازم بشتی در میان مردم عرب برخوردار شدند .

در چنین شرایطی رژیم‌های مرتجع عرب زیر فشار مقاومت فلسطین و کشورهای عضو جنبه پایداری و برای جلوگیری از انزوای بیشتر و جلوگیری از گسترش و اوجگیری مخالفت و مبارزه توده‌های فلسطینی علیه خود مجبور شدند که حتی در کنفرانسی مثل "کنفرانس ایلمی" پای قطنامه‌ای امضاء بگذارند که امریکا را به خاطر اقدامات آن در لبنان محکوم کرده است . این رژیم‌های وابسته و مرتجع تنها زیر فشار حمایت توده‌های فلسطینی از جنبش رهاایش فلسطین و زیر فشار سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای ضدامپریالیست عرب و کل نیروهای ضدامپریالیست جهان مجبور می‌شوند که با برخی مواضع درست‌نظران را هم نشان دهند یا پای قطنامه‌ای امضاء بگذارند که در آن در سمت حل صحیح مساله فلسطین بین‌بینی‌هایی شده باشد . این رژیم‌ها تنها روی کاغذ و در حرف و در نتیجه فشار و به ناچار در برخی موارد با پاره‌ای از مواضع جنبه پایداری ظاهران همراهی نشان می‌دهند و گرنه آنها با تمام وجود و اساساً و عملاً جز خدمت به امپریالیسم و خیانت به مردم کاری نمی‌کنند .

تاطسی کوتاه در تناقضی بزرگ

روزنامه اطلاعات هفته ۱۶ شهریور ماه با چاپ دو مصاحبه بزرگ شماره تناقض بزرگی را به نمایش گذارده است که در همین حال تناقض بزرگ جمهوری اسلامی ایران است.

اولیسی : مصاحبه حافظ اسد رئیس جمهور سوریه با خبرنگاران مجله آلمانی "اشترن" است که خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به نقل از "سانا" خبرگزاری جمهوری سوریه ترجمه و در اختیار روزنامه اطلاعات گذاشته است.

دومیسی : مصاحبه با حجت الاسلام "مزاری" سخنگوی سازمان "نصر" افغانستان است که اطلاعات در همان شماره آن را به چاپ رسانده است.

در مصاحبه اول می خوانیم :

می ... تابع عده که سوریه از کمکهای اتحاد جماهیر شوروی مایوس عده است زیرا این کشور در تجاوز اسرائیل علیه لبنان هیچگونه کمکي به سوریه نکرده است . در صورتی که قرارداد دولتی بین سوریه و شوروی بر حمایت هر یک از طرفین تاکید می نماید ، پس اگر اتحاد جماهیر شوروی در این مورد به شما کمک نکند ، این قرارداد چه ارزشی دارد ؟

ج ... ما باید در این امر مصطفانه تفاوت کنیم . ایالات متحده امریکا از هیچگونه کمکهای نظامی ، سیاسی اقتصادی به اسرائیل دریغ نمی کند و سالانه نزدیک به ۲ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی کمک می کند اگر این کمک و حمایت همچنان به امریکا نبود اسرائیل نمی توانست به تجاوزات توسعه طلبانه خود ادامه دهد . ما با استفاده از سلاح های شوروی به مقابله با اهداف توسعه طلبانه اسرائیل برخاستیم ، همچنین اتحاد جماهیر شوروی در تمام مجالس بین المللی در برابر اهداف توسعه طلبانه اسرائیل ایستاده است و از مواضع عادلانه اعراب حمایت می کند و مواضع قاطعی نسبت به افعال سرزمین های عرب ، آواره شدن فلسطینی ها اتخاذ نموده و از سازمان ملل عرب فلسطین در راه استرداد حقوق ملی این ملت و آزادسازی سرزمین های افسالی عرب پشتیبانی می کند . کسی که چنین مواضع قاطعی اتخاذ می نماید حتما دوست اعراب است .

س — اخراج سارزان فلسطینی از لبنان و آینده نهضت آزادیبخش فلسطین را چگونه می‌بینید ؟

ج — ... روسیه متجاوز و مدعی حمایت از آرمان فلسطین نیز . به عنوان یکی از بزرگترین قدرت‌های دنیا ، تنها نتایجی صحنه بوده و نه تنها کوچکترین کمک به فلسطین و مردم بی‌دفاع لبنان ننکرده ، بلکه سلاح‌ها و تجهیزات را که به دوستان اسرائیل و آمریکا داده و می‌دهد ، به کشورهای که با اسرائیل در حال جنگ است نداده است . به عنوان مثال : می‌گهای به‌رفتاری را که روسیه به عراق به عنوان متحد اسرائیل و متجاوز به مذهب اسلامی ایران داده است و سلاح‌های مدرنی که مرتب از طریق کویت و اردن به عراق می‌فرستد ، به سوریه که با اسرائیل می‌جنگ نداده است و این واقعیت نشان می‌دهد که آمریکا و روسیه هیچ تفاوت و تضادی در استثمار و بمباران کردن صیرومان و مستضعفان عالم باهم ندارند و اگر اختلاف هم در بین آنان مشاهده می‌شود ، جز سلطنت و اختلاف در روش‌های دیگری نیست .

کوهی از حقیقت و دروغ در همین چند خطی که از رئیس‌جمهور سوریه و رئیس سازمان نصر افغانستان نقل کردیم ، در یک روز و در یک شماره یکی از روزنامه‌های مهم جمهوری اسلامی ایران بهم بافته شده‌اند . در پاسخ به یک مقاله شخصی ، در پاسخ به این مقاله که آیا اتحاد شوروی و آمریکا با اسرائیل هر دو دوست اسرائیل ، دوست یکدیگر و دشمن اعراب و فلسطینی‌اند یا نه ؟ در پاسخ به این مقاله شخصی که آیا اتحاد شوروی به سوریه کمک کرده است یا نه ؟ آقای مزاری می‌گوید اتحاد شوروی مثل آمریکا است و به سوریه اصلاً کمک نکرده و فقط به اسرائیل و عراق که دشمن سوریه و ایران است کمک کرده است ، و رئیس‌جمهور سوریه دوست و با صراحت تمام این دروغ بزرگ را تماماً تکذیب می‌کند و می‌گوید اتحاد شوروی "حتماً دوست اعراب است" حتی اگر خواسته باشیم از روی احکام منطقی صوری هم حکم کنیم "اجتماع تشخیص محال است و لاجرم یکی از این دو حکم دروغ است" . جمهوری اسلامی کدام حکم را نپذیرفت می‌کند ؟ کدام گزاره را دروغ می‌نامد ؟ حرف آقای مزاری را ؟ یا حرف ... حافظ‌اند را ؟

آیا واقعات موجود قادرند این تناقض بزرگ را حل کنند ؟ آری چنین باید کرد که چنین خواهد شد . نتیجه از هم اکنون روشن است . آینده با هم مانند گذشته نشان خواهد داد مزاری‌های افغانی (و همه جمعیت‌های به اصطلاح اسلامی ضد دولتی افغانستان) و مقدس‌سایب‌های ایرانی (حجت‌های‌ها و شرکاء) و مسلمان‌نماهای صوری (اخوان المسلمین) همه از یک آبشخور آب می‌خورند آبشخور دروغ ، آبشخوری که سرچشمه آن به سم امپریالیسم آمریکا آلوده است آری چنین باید کرد که زمستان می‌رود و روزی‌ها می‌ماند . انقلابیون بهرو خط امام سرانجام جای واقعی خود را در کنار انقلابیون دیگران پیش خواهند یافت و صف خود را با هم بیشتر از انقلابیون فلابی جدا خواهند ساخت و این تناقض بزرگ را برای خود حل خواهند کرد . تناقضی که حل آن مداوم و بی‌شرف است انقلاب و مداوم آن راه‌حل مهم‌ترین محضلات انقلاب را مد می‌کند .

توطئه‌های مشترک آمریکا و چین علیه مردم کاسوج محکوم به شکست است

امپریالیسم آمریکا و فرمانروایان مرتجع چین با همدستی رژیم‌های مرتجع منطقه و دار و دسته‌های ورشکسته ضدانقلابی از قبیل دارودسته‌های آدمکش پلایت - بنگساری خوبامان و شاهزاده سپهانوک امریکایی، در پی گسترش توطئه‌های خود علیه کاسوج انقلابی هستند. بارماتده‌های دارودسته‌های ضدانقلابی که توانستند از دست مردم کاسوج بگریزند، بدستی است که با هدایت سازمان "سای آمریکا و رهبران مرتجع چین زیر رهبری شاهزاده سپهانوک، جمع شده و زیر سایه رژیم دست‌نشانده تایلند، در مرزهای این کشور با کاسوج خیمه و خرگاه بنا کرده‌اند. دولت دست‌نشانده تایلند با هدایت و حمایت آمریکا و فرمانروایان چین و با همدستی دیگر رژیم‌های عضو "آسه‌ان" در مرزهای کاسوج وضع مستحقی بوجود آورده و تاکنون چند بار به عملیات نظامی علیه جمهوری دمکراتیک خلق کاسوج دست زده است. در هفته‌های اخیر توپخانه ارتش تایلند بیش از ۶۰ بار نواحی مرزی کاسوج را هدف قرار داده است. آمریکا و فرمانروایان چین با گردآوردن ضدانقلابیون در تایلند و انجام تحرکات نظامی توسط رژیم دست‌نشانده این کشور قصد دارند دولت مردمی

کامسوج را زیر فشار قرار دهند و مانع بنای زندگی ... در این کشور شوند . دستگاہهای تبلیغاتی آمریکا و چین به معرفی سوت در سد دار و دسته پلیت و سیمانوک مشغولند و در عالم آرزو انتظار روزی را می کشند که بار دیگر این ضدانقلابیون را به کامسوج برگردانند ! اما آنچه در کامسوج پیش می رود بخشی جدایی ناپذیر از روند بازگشت ناپذیر زندگی نوین در هندوچین (و سراسر جهان) است . خلق کامسوج که بسیاری مردم فیلیپین ویتنام ، خلدان پلیت - سنگساری و شرکا را درهم کوبیدند و مفتضاحانه از سپین خویش بیرون رانیدند اکنون شهرها و روستاهای ویتنام را آباد و زندگی نوین را بنا می کنند . ویتنام بخشی از نیروهای خود را که به یاری مردم کامسوج شتافته بودند از این کشور فراخوانده و اعلام کرد که همه نیروهای آن تدریجاً از کامسوج بیرون می آیند . کامسوج انقلابی اکنون برای بنای زندگی نوین و برای درهم کوبیدن توطئههایی که آمریکا و فرمانروایان چین سازمان می دهند ، مصمم و توانمند است .

(۱۹)

نیرو رهاش بخش مردم السالوادور همچنان پیش می رود

" شعله های آتش به دروازه های ما رسیده است . السالوادور چیزی جز یک آتش فشان ، یک میدان بیگار در میان میدانهای عظیم نیبرد ، که از مکزیک تا پاناما ، از چاههای نفت جنوب دیوگراند تا کانال کشیده شده نیست " این زبان حال امپریالیسم سرگردگی آمریکا در برابر جنبش رهاش بخش مردم السالوادور است که در نشریه نیوزویک اول مارس آمد : " شعله های آتش به دروازه های امپریالیسم آمریکا رسیده است و السالوادور تنها یک میدان بیگار در میان میدانهای عظیم نیبرد " است که " از مکزیک تا پاناما " از پاناما تا شیلی از آمریکای لاتین تا آسیا و از آسیا تا آفریقا دامن گسترده است . اما امپریالیسم آمریکا در برابر شعله های انقلاب ، در برابر خلقهای بیخاسته آمریکای مرکزی و جنوبی چه می خواهد بکند ؟ السالوادور از نمونه های است که پاسخ این سؤال را روشن می سازد . امپریالیسم آمریکا می خواهد با خون " شعله ها " را خاموش کند (!) امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهگان آن در السالوادور می خواهند با خونریزی ، با کشتار فزاینده مردم با فرورختن بعب ، شماره بر سر مردم " آتش " را خاموش کنند . اما امپریالیسم آمریکا و هندستان آن در السالوادور و نیز مانند ویتنام و ایران و لبنان و آنگولا و شیلی و ... با تجاوز و کشتار ، با زخم شعله های خشم و نفرت مردم را فروزانتر می کنند . ددمنشی های امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن در السالوادور همه خلقها را به نبردی با زخم گسترده تر به خاطر استقلال و آزادی و بهروزی بررسی انگیزد .

برابر آمار منتشره از سوی " کمیسیون حقوق بشر " از اکتبر ۷۹ - زمان به قدرت رسیدن نظامیان السالوادور - تاکنون سی و پنج هزار و هشتصد غیرنظامی در این کشور کوچک آمریکای مرکزی کشته شدند و حدود ده هزار نفر پس از دستگیری ناپدید شده اند ! بنا به گزارش خبرنگاران نیوزویک ، تایمز و واشنگتن پست که خود شاهد بوده اند ، مزدوران آمریکا در یکجا ۴۸۲ غیرنظامی منجمله ۲۸ کودک را کشتند . دست نشاندهگان حاکم بر السالوادور علاوه بر کشتار منظم مردم توسط ارتش ، دسته های مزدور تروریستی درست کردند و این دستجات تاکنون هزاران تن را ربوده و شکنجه کرده و بخشی فوج کشته اند . دولت ریگان درحالی که این ددمنشی ها ، خشم و نفرت همه ملل جهان را برانگیخته است چنین اقدام هایی را آشکارا تأیید کرده و اعلام می دارد :

" رشد آزاد (!) و صلح آمیز (!) نیمکره ما ایجاب می کند که به

کشورهایی که با تجاوز خارجی روبرو هستند کمک نمانیم " ! ! ریگان طی یک سخنرانی در احلاس سازمان کشورهای آمریکایی - او . اس . آ . ۲۲ فوریه ۷۹ - انگیزه های دخالت امپریالیسم آمریکا را در جنگجوی سارزات مردم السالوادور و دیگر مردم منطقه بی پرده تشریح کرد :

" جریان از این قرار است که چریکهایی که به وسیله گویا حمایت و مسلح می شوند تلاش می کنند تا یک دیکتاتوری مارکسیست - لنینیست بر مردم السالوادور به عنوان بخشی از یک طرح وسیعتر امپریالیستی (!) تحصیل کنند اگر ما سرپا و بطور قاطع به دفاع از آزادی نپردازیم گویاهای جدیدی بر ویرانه های نبردی که امروز جریان دارد برپا خواهد شد !

بی در همین سخنرانی می گوید :

" امروز نوع جدیدی از استعمار در کمین جهان نشسته و استقلال ما را تهدید می کند (!) استعمار مذکور مربوط به نیمکره ما نیست ولی نیمکره ما را تهدید می کند و برخاک آمریکا نیز جای پای (یعنی گویا و نیگاراگوئه) به منظور گسترش امپال استشاری خود بدست آورده است " ! ! !

پس بنا به گفته ریگان ، سخنگوی سرکرده امپریالیست های جهان ، آمریکا توسط " امپریالیسم و استعمار " مورد تهدید قرار گرفته است ! او میگوید که به خاطر " آزادی " و " استقلال خود و " نیمکره " خود " به کشورهایی که با تجاوز خارجی روبرو هستند کمک " نماید ! از جمله با همه نیرو در السالوادور دخالت کند و مردم آنجا را که ظاهراً قصد دارند با کمک " خارجی استعمار را بر آمریکا مسلط کنند ! بخون بکشاند !

می بینیم که در اینجا ریگان برای دوستان خود و برای همه آنهاست که به دام سیاستها و تبلیغات امپریالیست ها گرفتار شده اند هدف واقعی

شوری-ستیزی و دست‌گذاشتن روی خطر شوری را به بهرمانه‌ترین شکل روشن می‌کند. ریگان برای توجیه سرکوب و کشتار مردم زحمتکش السالوادور و دیگر ملت‌های منطقه (و جهان) به ابلهانه‌ترین نیرنگ‌ها متوسل می‌شود و وانمود می‌کند که گویا "استقلال" امریکای امریالیست توسط نوع جدیدی از استعمار که سارزه رهاشیش مردم، متجسم آن است تهدید می‌شود. البته از بلافاصله در پی این دروغ‌پرازی‌های ابلهانه مجبور می‌شود انگیزه‌های واقعی امریالیسم امریکا را در سرکوب مردم بی‌اخاصه السالوادور و منطقه دریای کارائیب توضیح دهد. وی ضمن همان سخنرانی می‌گوید:

"کشور السالوادور به نگرانس نزدیک‌تر است تا نگرانس به ماساچوست. (نگرانس و ماساچوست از ایالات امریکا هستند) ناحیه دریای کارائیب یک تریان حیاتی استراتژیک و تجاری برای ایالات متحده محسوب می‌شود. تقریباً نیمی از مبادلات ایالات متحده، حدود دوسوم نفت وارداتی ما، بیش از نصف مواد معدنی استراتژیکی که ما از خارج وارد می‌کنیم از کانال پاناما یا خلیج مکزیک عبور می‌کند. بنابراین "دوستان و دشمنان ما باید دری کنند که ما هرآنچه را که به منظور تأمین صلح و امنیت در منطقه کارائیب لازم است، انجام خواهیم داد!"

امریالیسم امریکا برای حفظ این منافع حیاتی و برای ادایه و تحکیم سلطه خود بر السالوادور و علاوه بر توسل به نیرنگ "خطر شوری" و تشدید کشتار و سرکوب مردم زحمتکش، نیرنگ‌های دیگری مثل روی کار آوردن یک رژیم میانرو نیز توجه داشته است. ریگان با هدف تخفیف انتقادات و جلوگیری از گسترش جنبش مردمی حتی کوشید از اندیشه "انتخابات عمومی" در السالوادور حمایت کرده و از این طریق ابتکار را بدست گیرد. دولت ریگان در شرایط ترور و سرکوب و اختناق با حمایت از یک انتخابات جعلی تلاش کرد با شرکت‌دادن نیروهای ارتجایی بهتری در حکومت و رنگ قانونی زدن به آن مردم را فریب دهد و "راه‌های مناسب‌تری" برای مقابله با جنبش مردمی ایجاد نماید. دولت ریگان تلاش کرده است تا با نزدیک کردن چهار گروه عمدتاً دست راستی و سهم کردن همه آنها در یک "دولت میانرو" با ظاهر قانونی به اصطلاح "جبهه نیرومندی" علیه جنبش مردمی و "جبهه فارابوندومارتی" تشکیل دهد. دارودسته‌های راست شامل:

"ائتلاف جمهوریخواه ناسیونالیست" نماینده دارودسته‌های نظامی فاشست که هم‌اکنون کنترل ارتش و دیگر نهادهای سرکوب از جمله باندهای شبه‌نظامی را در دست دارند. "حزب دموکرات مسیحی" دوارته "حزب قشتلی ملی" که رهبران "پرزیدنت رومرو" در سال ۷۹ سرنگون شد و گروه چهارمی که بخشی از سرمایه‌داران را نمایندگی می‌کند (یک جناح آن به "ائتلاف تولیدی" معروف است). پس از انتخابات جعلی بازم بیشتر منزوی شده و در میان آنها شکاف افتاده است.

جنبش رهاشیش مردم السالوادور علیه رستم‌گشتارها و خونریزی‌های ددمنشانه امریکا و مردوران آن و علیه همه نیرنگ‌های امریکا و مرتجعین داخلی همچنان پیش می‌رود. "جبهه فارابوندومارتی" اکنون به‌مثابه گردان رزمنده همه خلق علیه امریالیسم و دست‌نشانندگان آن می‌رزمند. نبرد ابتکارگانه مردم السالوادور در سراسر شهرها و روستاهای کشور تجلی مرم راسخ آنها برای پایان دادن به سلطه امریالیسم و بنای زندگی نوین است. این نبرد بخشی از جنبش رهاشیش سراسری منطقه و جهان است که اکنون علاوه بر السالوادور در گواتمالا، هندوراس، کستاریکا و سایر کشورهای منطقه اوج می‌گیرد. امریالیسم امریکا با ممنوع این جنبش بالنده روبروست. امریالیسم امریکا با جنبشی روبروست که از مکزیک تا شیلی گسترده شده و اوج می‌گیرد. این جنبش از همان گام‌های نخست، هم با سرکوب خونین امریکا و دست‌نشانندگان آن روبرو بود و هم با نیرنگ‌ها و "مانورهای" آنها. مردم امریکای مرکزی و جنوبی علاوه بر این همواره مجبور بوده و هستند که زبانهای همسایگی با امریالیسم امریکا را نیز تحمل کنند. با این‌همه امریالیسم امریکا با همه تلاش‌هایش هرگز نتوانست مایه از آن شود که "شعله‌های آتش به دروازه‌هایش" نرسد و بطور کلی نتواند این شعله‌های را که سراسر منطقه و جهان را فراگرفته است خاموش سازد.

دوازدهمین کنگره حزب کمونیست چین که از دهم شهریور ماه در پکن آغاز نگار گرد ، در همان راستایی که رهبران راست و برتری جوی چین از پیش تعیین کرده بودند برنامه خود را پیش برده است . اخبار رسیده گویای آن است که تصویب قانون اساسی جدید ، تعیین دستگاه رهبری حزب و تصویب برنامه های پیشنهادی رهبری راست و برتری جوی بخش های عمده دستور کار کنگره بوده است و این دستور " همانگونه که برتری جویان همدست امپریالیسم می خواستند پیش رفت . البته از پیش روشن بود که کنگره دوازدهم در چنگ راست ها جای گرفته و در راستای خواست آنان برگزار می شود . مائوئیست های راست نیز مانند مائوئیست های چپ ، راهی را می پیمایند که سرانجامی جز شکست و رسوایی نخواهند داشت و هیچ روشن نیست که آنها بتوانند با زورگویی و فریب یک میلیون مردم چین کنگره های برتری را هم از آن خود کنند . البته رهبران مترجم چین مایلند وانمود کنند که همه چیز مطابق خواست آنها پیش خواهد خط مشی رهبران برتری جوی چین که هسته واقعی و مرکزی آن کمونیسم ستیزی است ، سیاسی گریه خود را در سیاست خارجی رهبران چین پیش از پیش به نمایش می گذارد . سیاست خارجی چین که محور آن شوروی ستیزی و هدف نهایی آن برآوردن آرزوهای ضد مردمی و برتری جویان رهبران چین است ، درست مانند آئینهای است که همه گزیها و پستی های مائوئیسم را به مردم جهان نشان می دهد . در حالیکه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا می کوشد تا بر پایه ضدیت برتری جویان چین با اتحاد شوروی ، به قول خود " اژدهای زرد " را رام و دست آموز کند . برتری جویان نیز به گمان خود از تضاد امپریالیسم آمریکا با اتحاد شوروی سوسیالیستی به سود نامین برتری خویش بر جهان بهره می گیرند . نتیجه این بازی پلید چیزی نیست جز همدستی برتری جویان با امپریالیسم بسرکردگی آمریکا علیه اتحاد شوروی و همه جنبه جهانی ضد امپریالیستی . در این بازی آنکه همواره سود می برد امپریالیسم بسرکردگی آمریکا است و آنکه زیان می بیند ملت های جهان . جنبه جهانی ضد امپریالیستی و یک میلیارد مردم چین است . این خوش خدمتی به رفت ، موفقیت آنها " مستحکم " است . مردم به " رهبری " آنها " اطمینان " دارند و با " رهبری " آنها بزودی همه مشکلات چین از میان می رود . اما بررسی اوضاع کنونی چنین چیزی جز این را نشان می دهد .

اوضاع اقتصادی : به عکس مائوئیست های چپ که اقتصاد را تابع پندارها و تحول اقتصادی را فدای بازی های خونینی مانند " انقلاب فرهنگی " کردند ، رهبران راست و برتری جوی کنونی ، هدف مردمی تحول اقتصادی و آرمان های طبقه کارگر را در برابر آنچه خود " تحول اقتصادی " می نامند تحقیر می کنند . آنها می گویند " فرق نمی کند گریه سیاه باشد یا سفید ، گریه باید موش بگیرد " منظور واقعی این " تر " که پیش از این متوسط " تنگ شایوینگ " در برابر مائوئیست های چپ طرح شد این است که : فرق نمی کند نظام سوسیالیستی باشد یا سرمایه داری ، چین باید قدرت بگیرد ! کارگرد رهبران چین نشان می دهد که چنین تعبیری از مشی آنها اصولاً افراق نیست . رهبران راست چین که به اینگونه " تاکیدیات " خود می بالند ، برای حل مشکلات بیشتر اقتصادی ، سیاست " درهای باز " را در پیش گرفتند . درها را بروی امپریالیست ها گشودند ، ردیف لانه به " جلب اعتماد " انحصارات آمریکایی و اروپایی و زاینی مشغول شدند . به تشویق و حمایت اقتصاد خرده بورژوازی و بورژوازی پرداختند ، اقتصاد خصوصی را مثل یک انگل کشنده به جان اقتصاد سوسیالیستی انداختند . بودجه نظامی را به زبان نیازهای مردم شتابان افزودند ، و برای اینکه " گریه " بیمار و گنج آنها " موش " بگیرد ، به دیورژنی تکنولوژی پیشرفته تر برای تولید " بمب اتمی " دست به دامان امپریالیست ها شدند . آنها مدام از " صنایع سنگین و مادر " دم می زنند اما از این " مادر " چیزی برای مردم محروم زاده نشد . به نظر رهبران برتری جوی چین فرزند از غم " چنین " مادری " یک بمب اتمی هولناک می باشد که بتواند بیشتر از هر بمب دیگری " در صورت لزوم " مردم را بکشد ! جادوگری های اقتصادی ایشان برای " حل " مشکلات چین مسبب شده که دستاوردهای سوسیالیستی و مردمی اقتصاد جداً تحدید شود و مردم پیش از پیش زیر فشار قرار گیرند نتیجه برنامه

آنها کسر بودجه به میزان ۲۰ میلیارد یوان و تورم به میزان ۱۲٪ است .

اوضاع اجتماعی - سیاسی : در نتیجه این سیاستهای ضد مردمی و برتری جویانه امکان بهره گیری خلاقانه از نیروی مترک مردم در راه پیشرفت اجتماعی و بهره مند شدن آنها از مزایای یک جامعه پیشرفته و یک نظام مردمی مد عده است . اکنون در چین بیش از ۲۰ میلیون بیکار وجود دارد ، هنوز بخش قطعی از مردم با ابتدایی ترین وسایل در تولید شرکت می کنند و از حداقل امکانات لازم رفاهی بی بهره اند . تفاوت سطح زندگی میان شهرها و روستاها و میان مناطق مختلف کشور قابل ملاحظه است . هنوز در چین ۱۵۰ میلیون نفر میسوادند ، با میدانهای بورژوازی و خرده بورژوازی در کنار زحمتکشان ، اقشار انگل و بهره گزین رشد می کنند و اینان طبیعتا به زبان زحمتکشان ، زندگی هر چه مترتری برای خود دستوپا می کنند . در بخشهایی سرمایه داری اقتصاد که شتابان در حال رشد است زحمتکشان بیشتری مستقیما استثمار می شوند چنین وضعیتی ضرورتا مردم را به مقابله جدی با بهره گزانی که دست به دست امپریالیسم و با حمایت رهبران مرتجع در برابر آنها صف آرای می کنند فرا می خواند . ناراضی مردم از برنامه ها و سیاستهای رهبران چین جدی و جدیتر می شود . این حقیقتی است که می توان آن را به باری همه تجارب تاریخی اثبات کرد .

اوضاع سیاسی : رهبران راست کنونی که پس از سالها سلطه مائوئیست های چپ سررشته کارها را بدست گرفته اند اکنون مایلند وانمود کنند که با ثبات تمام بر آنچه قدرت نداشتند . اینان که راستروی افراطی را جایگزین چپروی و ماجراجویی افراطی مائوئیستی کردند و در برابر خونریزیها ، جنایتها و ویرانی های مائوئیست های چپ راه ملامت و لفاظی را در برابر بورژوازی و نزدیکی و هم دستی با امپریالیسم را در پیش گرفتند ، رندانه تر از دار و دسته پمچین روی ناراضی مردم و خواست واقعی طبقه کارگر برده می کنند . اما چه کسی می تواند باور کند که در میان یک میلیارد مردم چین و نزدیک به چهل میلیون عضو حزب کمونیست ، آنها با حمله های بی مانند انقلابی که این مردم و این کمونیست ها طی سالها دراز پدید آورده اند ، هم دستی دولت چین با امپریالیسم آمریکا و کردارهای پلیدی همچون تأکید جانوری چون پنبه و پشم یا " تأکید هنگامی زور می شود ؟ " خواست واقعی مردم چین و همه مردم جهان این است که دوشادوش هم و در یک جبهه فشرده علیه امپریالیسم جهانی سرگردگی آمریکا بزنند و پیروزمندانه راه صلح ، استقلال ، آزادی و پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم را بینمایند . طبقه کارگر در چین و در جهان ، در رأس این نبرد فکرمند و پیروزمند قرار دارد و انترناسیونالیسم کارگری مائوئیست راهنمای این نبرد در سراسر جهان است . اندیشه ها ، برنامه ها و سیاستهای رهبران چین (و همه مائوئیست های راست و چپ) آشکار و بی پرده علیه این خواست های مشترک مردم جهان ، علیه خواست های طبقه کارگر در چین و در جهان و علیه انترناسیونالیسم کارگری است . مسووبی و هم دستی رهبران چین با امپریالیسم آمریکا هیچ جایی برای پنهان کردن دشمنی این رهبری با آرمان های طبقه کارگر و همه جبهه جهانی ضد امپریالیستی باقی نمی گذارد .

و هیچ نیرویی نمی تواند این واقعیت را از مردم چین پنهان نگاهدارد . نگاهی به واقعیت های زنده دهه های اخیر نشان می دهد که به ویژه پس از رسوایی مائوئیسم در جهان ، مواضع اسیل طبقه کارگر در همه کشورها با شتاب فزاینده ای نیرومند و استوار می شود و چین نیز در این راستا سستی نیست

امپریالیست ها بزرگترین خیانتی است که تاکنون به مردم جهان و به مردم چین عده است .

چشم انداز : کنگره دوازدهم ، پس از ده روز به تاریخ ۲۰ شهریور بیکار خود پایان داد و بر ادامه تبهکاری های برتری جویان مرتجع صحنه گذاشت . کنگره ، قانون اساسی جدید دستبخت آنها را تصویب کرد و برنامه های " دهساله " آنان را برای " هدایت امور مختلف چین " تأکید کرد . اما زمان و تاریخ نشان خواهد داد که نتیجه برنامه ها و سیاستهای ضد مردمی جز شکست و رسوایی بیشتر نخواهد بود . آنچه طبقه کارگر و توده های آگاه می خواهند با آنچه این برنامه ها و سیاستها دنبال می کنند متضاد است . طبقه کارگر و توده ها خواستار گسترش و تکامل نظام سوسیالیستی و بخش های سوسیالیستی اقتصاد هستند . آنها نمی خواهند سرمایه داران و بهره گزنان رنگارنگ ، دستاوردهای دهها سال نبرد حمله آمیز آنان را از میان بردارند و به چپاول آنها مشغول شوند . میان خواست واقعی مردم ، میان ضرورت گسترش بخش های سوسیالیستی اقتصاد و تکامل نظام سوسیالیستی با خط مشی راست و ضد سوسیالیستی حاکم بر چین تضادی آشفتناپذیر برقرار است . برتری جویان تلاش می کنند این تضاد را به سود هدفها و برنامه های خویش حل کنند . همه امپریالیست ها و مرتجعین جهان نیز چنین آرزویی دارند و در این راه آنها را یاری می کنند . اما فرمان تاریخ ، به ویژه در عصر ما ، یعنی عصر نابودی نظام سرمایه داری و بنای جامعه نوین ، علیه آنها و آرزوهای سیه اشان است . اندیشه ها ، برنامه ها و سیاستهای مائوئیستی چپ و راست سرانجامی جز شکست نخواهند داشت . پیروزی سرانجام از آن راه مردم ، از آن راه پیشرفت اجتماعی و بنای سوسیالیسم است . آنسوی کنگره ، راهی قلب مردم چین ، خروش مارشال چزی ، عضو هیات سیاسی حزب کمونیست چین و فاتح شانگهای و نانکین علیه مائوئیست های خیانت پیشه رسا تر بگوش می رسد :

" شما راه نابودی مردم را انتخاب کرده اید . . . حتی تا لحظه مرگ تسلیم نمی شوم ، حتی اگر مردم را از دست بدهم خواهم جنگید . . . هیچ بادی مرا خم نمی کند و هیچ سیلی مرا از پای در نخواهد آورد ، چنین هشتم و طور دیگری نمی توانم باشم .